



پارادایم نصیحت

اندیشه ایرانی فراسوی «زوال» و «تداوم»

به اهتمام
عباس منوچهری، دانش‌گاه تربیت مدرس

با همکاری
محمد باسط
زهیر صیامیان
علی صادقی
فیروز جعفری
رحمت مهدوی

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشکده تاریخ اسلام

پارادایم نصیحت

اندیشه ایرانی فراسوی «زوال» و «تداوم»

به اهتمام عباس منوچهری (دانشگاه تربیت مدرس)

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۸۲

۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسی، ر. خیابان رستگاران، شهرز شرقی، شماره ۹

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۷۰۰۶۱، ۸۸۶۷۰۰۶۰، ۸۸۶۷۰۰۶۰

web: www.pia.ac.ir

سرشناسه:	منوچهری، عباس - ۱۳۳۵ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور:	پارادایم نصیحت: اندیشه ایرانی فراسوی «زوال» و «تداوم»/ به اهتمام عباس منوچهری - همکاری محمد باسط... و دیگران.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۳۲۴ ص.
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام؛ ۸۲
شابک:	978-600-7398-54-8: ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	با همکاری محمد باسط، زهیر صیامیان، علی صادقی، فیروز جعفری، رحمت مهدوی، کتابنامه.
یادداشت:	
موضوع:	اندرزنامه‌های فارسی -- جنبه‌های سیاسی
موضوع:	Maxims, Persian -- Political aspects
موضوع:	اندرزنامه‌های فارسی -- تاریخ و نقد -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع:	Maxims, Persian -- History and criticism -- Early works to 20th century
شناسه افزوده:	باسط، محمدابراهیم، ۱۳۴۲ -
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷/۲۸/PIR۴۰۰۰
رده‌بندی دیوئی:	۳۹۸/۹۶
شماره کتابشناسی ملی:	۵۲۵۹۱۶۷

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۲	تاریخ نصیحت‌نامه
۱۷	نوع ادبیشگی نصیحت‌نامه‌ها
۲۲	چارچوب نظامی
۲۶	دلالت‌ها و دوبینی‌ها در چهارگانه
۲۶	۱- دلالت‌ها بر بردی نصیحت‌الملوک و نصیحت‌المومنین
۲۹	۲- دلالت معرفتی: دین و سیاست
۳۰	۳- دلالت هنجاری: اقتدار و دادگری
۳۱	۴- دلالت راهبردی: حکمران و وزیر
۳۱	متون نصیحت‌نامه
۳۵	فصل ۱. نامه تنسر
۳۵	مقدمه
۳۷	پیشینه تحقیقاتی
۴۱	دوبینی‌های چهارگانه
۴۱	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌المومنین
۴۵	۲- دین و سیاست
۴۶	۳- اقتدار و دادگری
۴۸	۴- حکمران و وزیر
۵۱	فصل ۲. کلیله و دمنه
۵۱	مقدمه
۵۵	پیشینه تحقیقاتی

۶۳	دوبنی‌های چهارگانه
۶۳	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۶۶	۲- دین و سیاست
۷۶	۳- اقتدار و دادگری
۸۳	۴- حکمران و وزیر

۸۹	فصل ۳: ادب‌الکبیر
۸۹	مقدمه
۹۳	پیشینه تحقیقاتی
۹۵	دوبنی‌های چهارگانه
۹۵	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۹۸	۲- دین و سیاست
۱۰۲	۳- اقتدار و دادگری
۱۰۴	۴- حکمران و وزیر

۱۰۹	فصل ۴: شاهنامه فردوسی
۱۰۹	مقدمه
۱۱۳	پیشینه تحقیقاتی
۱۲۱	دوبنی‌های چهارگانه
۱۲۱	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۱۲۲	۲- دین و سیاست
۱۲۳	۳- اقتدار و دادگری
۱۳۶	۴- حکمران و وزیر

۱۳۹	فصل ۵: قابوس‌نامه
۱۳۹	مقدمه
۱۴۳	پیشینه تحقیقاتی
۱۴۸	دوبنی‌های چهارگانه
۱۴۸	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۱۵۴	۲- دین و سیاست

۱۵۹	۳- اقتدار و دادگری
۱۶۳	۴- حکمران و وزیر
۱۶۹	فصل ۶. سیاست‌نامه
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	پیشینه تحقیقاتی
۱۷۸	دوبنی‌های چهارگانه
۱۷۸	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۱۸۴	۲- دین و سیاست
۱۸۸	۳- اقتدار و دادگری
۱۹۲	۴- حکمران و وزیر
۱۹۷	فصل ۷. کیمیای سعادت و نصیحت‌الملوک
۱۹۷	مقدمه
۱۹۹	پیشینه تحقیقاتی
۲۰۱	دوبنی‌های چهارگانه
۲۰۱	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۲۰۵	۲- دین و سیاست
۲۰۷	۳- اقتدار و دادگری
۲۱۰	۴- حکمران و وزیر
۲۱۳	فصل ۸. حدیقه‌الحقیقه
۲۱۳	مقدمه
۲۱۴	پیشینه تحقیقاتی
۲۲۰	دوبنی‌های چهارگانه
۲۲۰	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۲۲۸	۲- دین و سیاست
۲۲۹	۳- اقتدار و دادگری
۲۳۱	۴- حکمران و وزیر

۲۳۵	فصل ۹. بوستان و گلستان
۲۳۵	مقدمه
۲۳۶	پیشینه تحقیقاتی
۲۴۰	دوبنی‌های چهارگانه
۲۴۰	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۲۷۵	۲- دین و سیاست
۲۷۶	۳- اقتدار و دادگری
۲۸۰	۴- حکمران و وزیر
۲۸۱	فصل ۱۰. حقه ملوک
۲۸۱	مقدمه
۲۸۳	پیشینه تحقیقاتی
۲۸۶	دوبنی‌های چهارگانه
۲۸۶	۱- نصیحت‌الملوک و نصیحت‌العموم
۲۹۰	۲- دین و سیاست
۲۹۲	۳- اقتدار و دادگری
۲۹۴	۴- حکمران و وزیر
۲۹۵	کتاب‌نامه
۳۰۹	نمایه

مقدمه

«اندرزنامه»، «سیاست نامه» و «نصیحت الملوک»، هر یک به عنوان نوعی از اندیشه سیاسی شناخته شده‌اند. البته در تاریخ اندیشه سیاسی غرب نیز این نوع «گفتار»^۱ با ایزوکرآت هم عصر افلاطون آغاز شد، با سنوکا و رات نویسان^۲ قرون وسطی ادامه پیدا کرد و نهایتاً با اومانیزست‌ها (اصحاب مطالعات انسان‌شناختی) در عصر رنسانس مجدداً احیاء شد. در مورد مختصات هریک از این انواع و همچنین جایگاه این نوع «گفتار» در میراث فکری ایرانی، نظرات گوناگونی ارائه شده است. امروزه با گسترش پژوهش‌های مطالعات بین‌رشته‌ای روز به روز بر حجم مطالعاتی که در مورد «اندرزنامه»، «سیاست نامه» و «نصیحت الملوک» انجام گرفته افزوده می‌شود. در این پژوهش، مشخصاً با ابتداء به رویکرد دلالتی/پارادایمی در اندیشه سیاسی سعی شده نشان داده شود که مجموعه این گفتارها در طرز تاریخ ایران را می‌توان به جهت مختصات مشترکی که دارند و به رغم تفاوت بین آن‌ها از جهت زمینه‌های تاریخ ظهور و از حیث مشخصات ظاهری، به عنوان یک پارادایم در اندیشه سیاسی محسوب نمود.

1 Discourse

۲ از سنت مرآت الامراء یا The Mirror of the King در طول قرون وسطی آثار زیادی برجای مانده است. نک: «اسکینر» در:

Robert E. Goodwin & Philip Pettit (1997), *Contemporary Political Philosophy: An Anthology*, Blackwell.

تاریخ «نصیحت‌نامه»

در ایران پیش از اسلام، گفتار سیاسی صورت اندرزنامه‌نویسی داشت. پس از اسلام، گفتار سیاسی علاوه بر فلسفه سیاسی، شامل شریعت‌نامه‌نویسی، سیاست‌نامه‌نویسی و نصیحت‌الملوک نیز می‌شد. روزنتال تقسیم‌بندی سه گانه‌ای را از اندیشه‌های سیاسی در دنیای اسلام ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه‌نویسی و سیاست‌نامه‌نویسی. وی اولین نوع اندیشه سیاسی در جهان اسلام را فلسفه سیاسی می‌داند که موضوع محوری آن رسیدن به سعادت از طریق ایجاد فضیلت بود و شاخص‌ترین فیلسوف سیاسی مسلمان فارابی بوده است. وی که اولین و بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی در جهان اسلام است، «علم مدنی» را شامل شناسایی سعادت و راه‌های وصول و تحقق آن می‌داند. فارابی سیاست جزئی علم مدنی می‌داند، از این‌رو هدف سیاست یافتن راهی برای سعادت و کمال انسان است. در همین نوع از اندیشه سیاسی در جهان اسلام از نظر روزنتال «شریعت‌نامه‌نویسی» است. اساس شریعت‌نامه‌نویسی برخلاف فلسفه سیاسی که به دنبال نظم مطلوب و دستیابی به سعادت و اجابت فضیلت است، بر مبنای «حفظ نظم موجود» است. شریعت‌نامه‌نویسان نه در پی نظم مطلوب بلکه به دنبال حفظ «نظم موجود» و «تسکین فتنه» بوده‌اند و این امر امکان‌پذیر نبوده مگر «در سایه اقامت احکام شرعیه». مهم‌ترین آثار شریعت‌نامه‌نویسی عبارت‌اند از «الاحکام السلطانیه» نوشته ماوردی و کتاب «سلوک الملوک» اثر فضل‌الله روزبهان خنجی. زیاده‌روی سیاست‌نامه‌نویسی است که شاخص‌ترین نمونه آن سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک است. داوود فیرحی، از سوی دیگر، سه گانه روزنتال را تحت تأثیر مطالعات شرق‌شناسانه می‌داند و بر این نظر است که روزنتال با اتکا به روش «نسخه‌شناسی» راه پایی دست به این تقسیم‌بندی زده است. «نسخه‌شناسی او، بنا به مبنایی که در تاریخ فکر مفهوم اصالت، در تاریخ اندیشه سیاسی داشت، متون دوره میانه را، نه به اعتبار دوران اسلامی و بنابراین، با توجه به الزامات و استقلال آن، بلکه به اعتبار دوره‌ای از یک تاریخ طولانی و مداوم می‌بیند که به‌رغم گسست‌های مقطعی و قابل درک، همچنان تداوم داشته و از

۱. فرناز ناظرزاده کرمانی (۱۳۷۶)، اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی: «شرح نظریه مدینه فاضله با تطبیق بر آراء افلاطون و ارسطو»، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، ص ۱۸۹.

سرچشمه‌ای اصیل یعنی ایران قدیم الهام گرفته است.^۱ در این روش هدف آن است که هرگونه تأثیری که متن یا اندیشه قدیم بر ذهن نویسندگان اسلامی گذاشته است مورد بررسی قرار گیرد. از این رو فیرحی معتقد است، روش نسخه‌شناسی «همان چیزی است که ابعاد زنده و بالنده فکر اسلامی را که سال‌ها به تفسیر متافیزیک قدرت و راهنمایی عمل در زندگی سیاسی مسلمانان می‌پرداخت و به‌طور کلی رابطه عمل و نظر را در ساخت قدرت سیاسی تنظیم می‌نمود، درهم می‌شکند». روش نسخه‌شناسی موجب شده است سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی به آثاری حاشیه‌گونه و ترجمه‌هایی از اندیشه ایرانشهری و نظریه‌های آریمانی تبدیل شوند. در حالی که «نقش عمده و اساسی، مربوط به قدرت و اراده است و عقل و دانش صرفاً واسطه‌ای هستند که در خدمت تحقق اراده قرار دارند».^۲

به نظر فیرحی، اکثر مطالعات اندیشه سیاسی میانه اسلامی به لحاظ معرفت‌شناسی، بر مبنای تقدم عقل بر اراده با تدم دانش بر عمل استوار بوده‌اند. و با فرض اصالت دانش و فراتاریخی بودن عقلانیت سیاسی مؤسس در این دوره، ساختار قدرت و عمل سیاسی در جامعه اسلامی را تابعی از ماهیت انشرفوق تلقی کرده‌اند. تقدم با عمل است و دانش سیاسی این دوره وابسته به ساختار قدرت سیاسی است. فیرحی به وجوه مشترکی بین «سه جریان عمده» در اندیشه سیاسی اسلام، یعنی فلسفه سیاسی، فقه سیاسی اهل سنت و فقه سیاسی شیعه و نیز «برخی جریان‌های رعوهمیون تأملات عرفانی و تصوف سیاسی»، قائل است که شاخص‌ترین وجه مشترک آنها پیوند «ایجابی یا سلبی با نظام قدرت» است.^۳

از طرف دیگر حسین زرگری‌نژاد، از منظری تاریخی، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران را «چه در تکوین و چه در امتداد حیات خود، حیاتی توأم با تکرار و تکرار» مفاهیم و مقوله‌ها و مضامین دانسته است که «با زیرساخت‌های اجتماعی و تاریخی خود پیوندی تنگاتنگ داشته» است، لذا، «چه شالوده‌های اولیه و ساختار نخستین آن و چه مبانی سکون و رکود آنها را باید در ربط با تحول یا رکود همین زیرساخت مورد مذاقه و

۱ داود فیرحی (۱۳۸۱)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی، چ دوم، ص ۷۶.

۲ همان‌جا.

۳ همان، ص ۱۲.

۴ همان، صص ۱۲، ۱۷، ۱۹.

بررسی قرار داد^۱

به تعبیر زرگری‌نژاد، در ایران، پیشینه اندرزنامه‌نویسی به دوران باستان، یعنی زمانی که نظام سیاسی متمرکز مقتدر یک ضرورت اجتماعی-قلمرویی بود، باز می‌گردد. هرچند نویسندگان اندرزنامه‌ها آموزه‌های خود را با هدف ارتقای اخلاق، تعادل و تناسب در جامعه ارائه کرده‌اند، ولیکن مسائل مهمی درباره شخصیت و خصال پادشاه نقل نموده و یا اندرزهایی داده‌اند که پادشاه مخاطب اصلی آن‌ها است. به نظر زرگری‌نژاد، در طی قرون چهار تا سیزده هجری نظام «خانی» مسلط بود. در طی این دوران، «ساخت و بافت جامعه ایران، کسره ایلاتی و بدوی و تحت کنترل ارزش‌های بدوی و نه مدنی، بود» و اقتدار سیاسی در رأس ساختار سیاسی کشور متمرکز بود. بدین لحاظ:

با خوی و خصلت بدوی خوانین یا سلاطین جدید، طبعاً مراکز علمی نیز برای آنان بی‌ارزش بود و علم را در نزدشان کالایی بی‌بها. آنان برای علاج بیماری‌ها، به بوعلی‌ها محتاج بودند، شن‌ها و جادوگران طیبیان آنان بودند و اوراد و طلسمات، داروی دردهایشان. همین دلیل نیز این‌سینا را در به‌در کردند و فردوسی را تحقیر. برای آنان ناصر خسرو و حافظ را «قیمتی لفظ در درّی را» در پای خوکان بریزد منفور بود و امیر خسرو را «مهی‌خیزترین تملق‌ها را از سلطان سنجبر انجام می‌داد، عزیز و محترم. در تمام این دوره طایفانی که بدویان بر ایران‌زمین استیلا داشتند، شهرها یا رو به نابودی و ویرانی می‌شدند یا تبدیل به مرکز تجمع بادیه‌نشینان شدند»^۲.

رستم‌وندی اما، پیدایش سیاست‌نامه‌ها را ناشی از نیاز آنان به یادگیری اصول و قواعد کشورداری می‌داند که در سنت فرمانروایی ایرانیان، دانش آن را دیه‌باز و به‌ویژه وزیران خردمند ایران به‌صورت سنتی محفوظ مانده بود. بی‌تردید بزرگمهر دربار و اندرزنامه‌های بجامانده از او، آشکارترین شاهد در چنین عرصه‌ای است. پس از اسلام نیز بسیاری از دبیران و دیوانیان ایرانی با خدمت به خلفای اموی، تجربیات خود را در اختیار آنان گذارند که می‌توان مهم‌ترین نمونه این واقعه را *ادب‌الصغیر* ابن مقفع دانست.^۳

۱. *رسائل سیاسی عصر قاجار* (۱۲۷۹)، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. تقی رستم‌وندی (۱۳۹۲)، *اندیشه ایران شهری در عصر اسلامی*، تهران: امیرکبیر، ص ۲۶۵.

عبدالله بن مقفع با ترجمه سه کتاب آیین‌نامه، خدای‌نامه و تاج‌نامه در سدهٔ دوم هجری آغازگر روند تبدیل اندرزنامه‌ها به سیاست‌نامه‌ها بود و در این میان خدای‌نامه که در زبان عربی به «سیرالملوک» ترجمه شد از محبوبیت و توجه بیشتری برخوردار گشت؛ به گونه‌ای که «بخش‌های مهمی از آن علاوه بر این که به طور کامل ترجمه شد، در لابه‌لای کتاب‌های تاریخی مسلمانان نیز جا گرفت و حتی بسیاری از کتاب‌های تاریخی مسلمانان همانند تاریخ طبری بر مبنای تاریخ شاهان ایرانی در خدای‌نامه فارسی و نحوه تبویب و تدوین آن، تنظیم شد»^۱

به تدریج سم‌وندی اندرزنامه‌ها، از سوی دیگر، به این دلیل مورد توجه قرار گرفتند که در دوران حکومت سلاطین ترک قواعد و آیین مشخص و مدونی جهت اداره امور جامعه وجود نداشت و آنجا که این حاکمان جهت برقراری نظم و برخورد با اغتشاشگران و مخالفان نیز فاقد اخبارات و اطلاع‌رسانی بودند کشور آستان مشکلاتی از قبیل «اغتشاش، نافرمانی و اقدامات گریز از مرکز و غیرمختارانه ولایات و صاحب‌نقدان در سیاست» بود که این امر در برخی از مواقع حکومت مرکزی را تا آستانه فروپاشی نیز پیش می‌برد. این در حالی بود که اندرزنامه‌ها از راه و رسم ملک‌داری سخن می‌گفتند و لزوم تمرکز قدرت در دست حاکم را گوشزد می‌کردند. همچنین سلاطین ترک برخلاف خلفای راشدین که افرادی آگاه و مجتهد نسبت به امور دینی بودند، به واسطهٔ عدم آشنایی با اسلام به شدت نیازمند حضور عالمان دینی در کنار خود و استفاده از دانش آنان برای مدیریت کشور بودند.^۲

به نظر دوفوشه‌کو، از سوی دیگر در طول قرن سوم تا دهم فرهنگ ایرانی در بطن امپراتوری اسلامی تثبیت می‌شود، مجموعه‌های پند و اندرز، هرچون خردنامه حکما و خرد جاویدان مسکویه تدوین می‌شوند. از قرن چهارم این فرهنگ جدا افتاد از جهان ساسانی به عنوان فرهنگی بدیع و اصیل در جهان اسلام شروع به گسترش کرد. در اواسط قرن چهارم که دوران سامانیان است فقط شاهنامه به عنوان نصیحت‌الملوک نوشته شده است. این بیانگر آن است که در این زمان که دو متفکر بزرگ یعنی فارابی و ابن‌سینا رسائل سستی نوشته‌اند، حکمرانی و نظام سیاسی هنوز از «نوع سلطانی» نبود زیرا این نظام با

۱ همان، ص ۲۶۴.

۲ همان جا.

محمود غزنوی شروع شد. در قرون چهارم و پنجم، اندرزه‌ها از اندرزنامه‌ها استخراج و در زمرهٔ کتب جدید طبقه‌بندی شدند. آثار عامری (۳۸۱) و ثعالی (۳۵۰) دو نمونه از این دسته هستند. البته هیچ نوشتهٔ فارسی متعلق به قرن پنجم نیست که فقط به طبقه‌بندی اندرزه‌ها پرداخته باشد.^۱

از قرن پنجم به بعد، نهاد خلافت، ارزش سیاسی خود را از دست داد و به پدیده‌ای صرفاً تاریخی و ریشه‌دار در گذشته تبدیل شد. از اواخر قرن پنجم تدوین سلسله درخشانی از رسائل اخلاقی سنتی آغاز می‌شود که ادبیات/شعر نقش مهمی در آن‌ها دارد. در این رسائل اخلاق و ادب برای ترغیب کردن خواننده یا شنونده درهم می‌آمیزند. چنین اسلوبی با سعدی در قرن پنجم به اوج خود می‌رسد. *قابوس‌نامه* و *کیمیای سعادت* در قرن پنجم، حقیقه سنایی (۵۰ هجری) و *مخزن الاسرار* نظامی در قرن ششم و نهایتاً بوستان سعدی که در قرن هفتم سروده شد، از جمله بارزترین این آثار هستند.^۲

در دورهٔ قاجار نیز، با توجه به تداوم بافت و ساخت فرمانروایی مطلقه، به‌رغم بروز تمایلاتی نسبت به انجام اصلاحات، اندرزنامه‌نویسی به‌طور جدی دنبال شد. در آستانهٔ دورهٔ قاجار، مضامین اندرزنامه‌ها نیز تحت تأثیر گفتگوهای از وظایف سلطان در برابر ملک و ملت آغاز شد. رساله‌های *ارشادالعباد*، *عمارة البلاه* اثر شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی و *ارشادالغافلین و تنبیه الجاهلین*، اثر شیخ سید احمد مولوی کاشانی، در باب مقابله با هجوم اقتصاد غرب به اقتصاد ایران نوشته شده است. *ملوک* در سال ۱۲۳۳ قمری و *میزان‌الملوک* نیز به سال ۱۲۶۵ قمری، یعنی در سال سلطنت ناصرالدین‌شاه توسط کشفی نوشته شده است. کشفی چنانکه خود نگاشته است این دو اثر خویش را به درخواست شاهزاده محمدتقی میرزا یعنی پدر ابوالحسن میرزا شیخ‌برهان‌قادر نگاشته است.^۳ چنانکه می‌دانیم شیخ‌الرئیس از شاهزادگان مبارز و ترقی‌خواه عصر مشروطه و از

۱ شارل هانری دوفوشه کو (۱۲۷۷)، *اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)*، ترجمهٔ محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ص ۱۸۰.

۲ همان.

۳ جعفر بن ابی‌اسحاق کشفی دارابی (بی‌تا)، *میزان‌الملوک و الطوائف و صراط‌المستقیم فی سلوک الخلائف*، بی‌نا: بی‌جا [نسخه خطی]، گ ۱۱ الف؛ جعفر بن ابی‌اسحاق کشفی دارابی (۱۲۷۶)، *تحفة الملوک* تهران: ۱۲۷۶، ص ۲.

جمله پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی و نویسنده رساله مشهور اتحاد اسلام بود.^۱

نوع اندیشگی نصیحت‌نامه‌ها

چارچوب نظری حاکم بر نصیحت‌نامه‌ها توصیه حاکم به انجام برخی اعمال و منع وی از انجام برخی کارها است. مشخصه بارز این توصیه‌ها این است که در آن‌ها ضرورتاً استدلال عقلانی یا ترغیب ارزشی در کار نیست.

اندرزنامه‌های نخستین قرون اسلامی به روایات اسطوره‌ای استمساک جسته‌اند تا مقصود و هدف و اندرز خود را بیان کنند. کلیله و دمنه، سندیادنامه، بختیارنامه، بستان‌العواملی معرفة‌المنقول از این نمونه‌ها هستند. با عنایت به اینکه پس از فروپاشی هر قدرت بدوی تراگر یا مادی، جان و مال تمامی شهرنشینان و روستاییان نیز به سرعت در معرض تهدید هرج و مرج قرار می‌گرفت، دشوار نیست دریابیم که چرا این گونه بوده است. در بسیاری از اندرزنامه‌ها، از سلطان ظالم نیز در مقایسه با فتنه و آشوب دائمی استقبال شده است. اندرزنامه‌نویسان تلاش در این رصه دغدغه‌ها و باورهای مردم را منعکس می‌کردند. از نظر (نویسندگان)، سلطان اگر چه خود ادایی بود، اما فقدانش نیز مصیبتی بزرگ‌تر محسوب می‌شد. به همین دلیل نیز در تحریر تصریح می‌کردند که «امام عادل خیر من مطر و ابل و اسد حطوم خیر من سلطان ظالم و سلطان ظلم خیر من فتنه تدم»^۲ یعنی امام و پیشوای عادل بهتر و پرنفع‌تر است از باران دهنده و شیر دژم شکننده، بهتر است از پادشاه ظلم‌کننده و پادشاه ظلم‌کننده بهتر است از فتنه‌ای که به دلیل نبودن پادشاه همیشگی و دائمی باشد.^۳

عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که سیاست‌نامه‌ها در ادامه اندیشه سیاسی ابران شهری نوشته شده‌اند و بازپرداختی از آن در دوره اسلامی محسوب می‌شوند. روین روزنتال، سیدجواد طباطبایی، فرهنگ رجایی، حاتم قادری و رستم‌وندی از جمله محققانی هستند که در این دسته جای می‌گیرند. در این میان سیدجواد طباطبایی و فرهنگ رجایی معتقدند

۱ زرگری‌نژاد، همان‌جا.

۲ شرح نهج‌البلاغه؛ جلد ششم، ص ۳۲۲؛ محمدبن علی کراجکی (۱۴۱۰ ق)، کنز‌الموید، تحقیق: عبدالله نعمه، قم: دارالذخائر، ص ۵۸.

۳ کشفی دارابی، تحفة‌الملوک، همان‌جا.

که سیاست‌نامه در راستای «حفظ قدرت» نوشته شده‌اند و در آن‌ها راه‌های کسب، حفظ و استمرار قدرت سیاسی به حکام و شاهان نشان داده شده است. البته، عده‌ای دیگر از محققان همچون داوود فیروزی معتقدند که سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی ادامه اندیشه سیاسی ایرانشهری نیستند و تحت تأثیر فقه و فلسفه اسلامی نوشته شده‌اند؛ لذا برای فهم آنان باید به این دو حوزه مسلط بود.

سیدجواد طباطبایی تحت نام مشترک «سیاست‌نامه» که فقط آثار پس از اسلام را شامل می‌شود، این آثار را به پنج دسته عمده تقسیم کرده است. اولین دسته، نوشته‌های سیاسی به معنای دقیق کلمه یا «سیاست‌نامه» است که به نظر وی ادامه طبیعی آیین‌نامه‌ها و اندرزنامه‌های دوره باستان است. از جمله مهم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، نصیحة‌الملوک غزالی و شاهنامه فردوسی است.^۱ از نظر طباطبایی، سیاست‌نامه‌ها از پراختی از اندیشه سیاسی ایرانشهری است. بر پایه این نظریه سیاست‌نامه‌ها به دنبال استمرار اندیشه سیاسی دوره باستان و در تداوم اندیشه سیاسی ایرانشهری همچون جریانی مهم و تأثیرگذار تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام ظاهر شدند و در نخستین سده‌های دوره اسلامی به انتقال منابع دوره ساسانی تناورده شده و به تدریج دو جریان دیگر، یعنی فلسفه سیاسی و شریعت‌نامه‌نویسی را در خود جذب کرد.^۲ طبق این نظر، سیاست‌نامه‌نویسان بدون هیچ‌گونه تفکر فلسفی به تأمل در باب قدرت، مناسبات و روابط آن اندیشیده‌اند و اکثر آنان در خدمت دستگاه حاکم با به‌نوعی با آن در ارتباط بوده‌اند. از این رو، به نظر وی، «سیاست‌نامه‌نویسان برخلاف فیلسوفان سیاسی، در تکوین سازمان سیاسی کشور و تدوین ایدئولوژی سیاسی نقشی بسزا داشتند».^۳ به تعبیر طباطبایی، بحث عمده سیاست‌نامه‌نویسان در مورد روش‌های کسب قدرت سیاسی، حفظ و استمرار آن و این موضوع است که چگونه می‌توان علیه شورشیان یا به‌اصطلاح «خوارج» وارد عمل شد. به باور آنان حفظ قدرت سیاسی و ثبات و امنیت ناشی از آن امکان‌پذیر نیست «مگر در سایه فرمانروایی نیک و اهل تقوی و فضیلت».^۴

۱ سیدجواد طباطبایی (۱۳۷۳)، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات کویر، ص ۸۰.

۲ سیدجواد طباطبایی (۱۳۸۵)، *خواجه نظام‌الملک طوسی: گفتار در تداوم فرهنگی ایران*، ج ۲، تبریز: ستوده، ص ۷۹.

۳ طباطبایی، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، ص ۱۱.

۴ همان، ص ۱۴.